فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال یازدهم، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۳۹
صفحات ۱۵۸ ـ ۱۳۹

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific _ Research Journal
Vol. 11, Winter 2015, No 39

چگونگی گفتمان‌سازی نظریه ولایت فقیه در محتوای برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران[1]

مقصود امین‌خندقی*
فاطمه سادات جعفرنیا**

چکیده

پژوهش پیش‌رو با هدف عرضه رویکرد گفتمان‌سازانه در حکم رویکرد مطلوب در انتقال معارف انقلاب اسلامی، به ویژه نظریه ولایت‌فقیه انجام شده است. ابتدا توصیفی کلی از وضعیت موجود در انتقال نظریه ولایت فقیه انجام گرفت و سپس رویکرد مطلوب، یعنی رویکرد گفتمان‌سازانه معرفی و با مفهوم‌شناسی واژه‌های اساسی پژوهش، به تبیین ویژگی‌های نگاه گفتمان‌سازانه در انتقال این نظریه پرداخته شد. رویکرد گفتمان‌سازانه به دلیل داشتن چهار عنصر اساسی، یعنی ایدئولوژی، هدف، فرایند و نتیجه که همگی نیز هم‌راستا با معارف حقه اسلامی است، قابلیت تحقق اهداف اساسی ملحوظ در این نظریه را دارد و لذا ضروری است این رویکرد جایگزین رویکردهای جاری نظام برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران در بحث از نظریه ولایت فقیه گردد.

واژگان کلیدی

گفتمان، گفتمان‌سازی، ایدئولوژی برنامه درسی، نظریه ولایت فقیه، انقلاب اسلامی.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از پدیده‌های بزرگِ عصر حاضر است. (کوشکی، ۱۳۸۷: ۴) نگاهی به انقلاب‌های بزرگ

---

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.

*. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد. minkhandaghi@ferdowsi.um.ac.ir
**. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد. f.s.jafarnia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۰

جهان نشان می‌دهد این انقلاب‌ها، گفتمان جدیدی را مطرح کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران نیز گفتمانی جدید و اثرگذار را در جهان مطرح ساخته است (ایوبی، ۱۳۸۱: ۲۴ ـ ۲۳) که وضعیت منحصر به فردی را در بسیاری مناسبات و تحولات به وجود آورده است (صدیقی و نظری، ۱۳۹۰: ۱۱۹) و به صورت گفتمان تجلی‌یافته در نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱: ۷۲) ایدئولوژی انقلاب اسلامی به دلیل دینی بودن از ابعاد همه‌جانبه برخوردار است (رضاپور، ۱۳۹۱: ۱۴۷) اما همچنان‌که ظهور انقلاب اسلامی مستلزم حدوث انقلابی در زیرسازهای اندیشه مردم بوده است، ادامه آن نیز مستلزم بقای آن انقلاب فکری است. استمرار انقلاب اسلامی متوقف بر حضور اندیشه امام خمینی و تداوم این اندیشه نیز مستلزم رمزگشایی از انقلاب فکری اوست. (علم‌الهدی، ۱۳۸۱: ۳) در این راستا یکی از مباحث اساسی این انقلاب، ولایت فقیه می‌باشد که در مقام عمل، امام خمینی توانست آن را به طور اساسی احیا کند.

ضرورت ولایت فقیه از دو جنبه نظری و عملی قابل بحث است. در بعد نظری باید به تصریح اهمیت ولایت فقیه در تمام آیات، روایات و احادیثی اشاره کرد که پشتوانه‌های اصلی بحث اثبات ولایت فقیه می‌باشند. به عنوان نمونه، امام باقرؑ می‌فرمایند: «اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت؛ و به چیز دیگری دعوت نشده؛ آنطور که به ولایت دعوت شده است». (مجلسی، بی‌تا : ۶۵ / ۳۲۹) در اهمیت عملی ولایت‌فقیه، می‌توان به دو نکته اساسی اشاره کرد: اول آنکه ولایت فقیه، سنگ‌بنای نظام جمهوری اسلامی ایران است و بر هر فرد مسلمان لازم است این اصل اساسی را به خوبی بشناسد؛ و دوم اینکه دشمنان این انقلاب، برای منحرف ساختن نظام، در هر فرصتی مبادرت به شبهه‌اندازی در باب این قلب نیرودهنده می‌نمایند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲۱) نظریه ولایت فقیه نظریه‌ای چندبعدی است و جایگاهی اساسی در علم کلام و فقه دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸) این مسئله نه تنها مبین ضرورت تجلی نظریه ولایت فقیه در محتوای برنامه‌های درسی است، بلکه باید از جانب مخاطبان فهم شده و مورد پذیرش اعتقادی و عملی قرار گیرد.

با پیروزی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت تربیت دینی در درجه اول بر عهده حکومت است (فرهمند، ۱۳۸۸: ۳۴۷) و آموزش دینی و اخلاقی محور سایر اهداف آموزشی قرار گرفته؛ (بینقی، ۱۳۷۹: ۶۵؛ سعیدی رضوانی و باغگلی، ۱۳۸۹: ۱۱۴ ـ ۱۱۳) اما علی‌رغم کوشش‌های متعدد، نگاهی به وضعیت نسل جوان، ناکارآمدی تقریبی این کوشش‌ها را نمایان می‌سازد؛ (نساجی زواره، ۱۳۸۸، سعیدی رضوانی و باغگلی ۱۳۸۹، تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۸) چراکه هدف اصلی در تربیت، به خاطرسپاری اصطلاحات نیست ـ امری که توجه اغراق‌آمیزی به آن شده است؛ بلکه پیدایش تغییرات اساسی در احساس، ارزش‌نگری و تقویت باورهای فراگیران، اساسی‌تر می‌باشد. (خطیب زنجانی و فرج‌اللهی، ۱۳۹۱: ۴)

در بررسی علل تحقق نیافتن این اهداف، می‌توان به محتوای مکتوبی که در اختیار مخاطبان قرار دارد

اشاره کرد. امروزه در تمام نظام‌های آموزشی، آموزش و پرورش بـه کتـاب‌هـای درسـی در مقایسـه بـا سـایر رسانه‌ها وابستگی بیشتری دارد. (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۷) محتوا همواره از اهمیت ویژه‌ای برخـوردار است (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷: ۱۱۷) با این حال، غالباً محتوا در انتقال موضوعات اسلامی، مانند ولایت فقیـه، از کارآمدی لازم برخوردار نیست و به رغم تلاش‌های چندین ساله مسئولان وزارت آموزش و پرورش، تدوین محتوای مطلوب، همچنان با دشواری‌هایی روبه‌رو است و لازم است تلاش‌های بیشتری به عمل آید تا امکان دستیابی به کتاب‌های مناسب نیازهای نسل جوان فراهم شود. (جوادی، ۱۳۷۷: ۳۱)

در همین راستا یکی از واژه‌هایی که مقام معظم رهبری، حضرت آیـت‌الله‌العظمـی خامنـه‌ای در برخـی از سخنرانی‌هایشان مطرح کرده‌اند، واژه «گفتمان‌سازی» می‌باشد که طبق بررسی‌های به عمل آمده تـا قبـل از آن، در ادبیات انقلاب وجود نداشته است. ایشان غالباً در مورد موضوعات مهم و اساسی به «گفتمـان‌سـازی» امر نموده‌اند و آن را دارویی برای درمان خلأها در زمینه‌های گوناگون تجویز کـرده‌انـد. ایشـان معتقدنـد کـه گفتمان‌سازی در یک زمینه خاص باعث می‌شود آن مفهوم همه‌گیر شود. ایشان نتیجـه گفتمـان‌سـازی یـک موضوع دینی را رشد معرفت دینی در مخاطبان می‌دانند که همان چیزی است که پیغمبران به دنبال آن بودند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲) و آموزش و پرورش ایدئال هم دنبال چنین هدفی است.

از مجموع آنچه بیان شد، این پژوهش قصـد دارد بـا تمـایز بـین دو نـوع رویکـرد اخبارگونـه و تـاریخی (وضعیت موجود) با رویکرد گفتمان‌سازانه (وضعیت مطلوب) در انتقال نظریه ولایـت فقیـه در محتـوای کتـب درسی، به بررسی معایب رویکرد اخبارگونه و تاریخی بپردازد و سپس با تبیین چیستی رویکرد گفتمان‌سازانه و بررسی ضرورت‌ها و پیامدهای آن، چگونگی حاکمیت آن را بر محتوای کتب درسی پی‌گیری کند.

نقش ایدئولوژی‌های برنامه درسی در جهت‌دهی و حرکت نظام برنامه درسی

دیدگاه‌های برنامه درسی از اساسی‌ترین مباحث حوزه برنامه درسی است که توجه بـه آن در مراحـل مختلـف برنامه‌ریزی درسی موجب مفهوم شدن برنامه و حرکت آگاهانـه مـی‌باشـد. (سلسـبیلی، ۱۳۸۲: ۲) ایـدئولوژی برنامه درسی در پی مستدل کردن مجموعه‌ای از ارزش‌ها با هدف فـراهم سـاختن دلایـل قـانع‌کننـده بـرای ارزش‌های خاص می‌باشند و چون به دنبال تحقق اهداف خاصی هستند و بدون وجود آنها نه تعلیم و تربیت و نه برنامه درسی، زیربنایی نخواهد داشت، ارزشمندند. در برنامه درسی، این نظریات به دنبال اهـداف مشـخص آموزشی هستند که به خودی‌خود دارای ارزش می‌باشند. (مهرمحمدی و امین‌خندقی، ۱۳۸۸: ۳۱ ـ ۲۹)

جهت‌گیری‌های برنامه درسی مجموعه‌ای از باورهای اساسی و نظام‌های ارزشی می‌باشند که به برنامه‌هـای درسی در مقام یکی از عمده‌ترین ابزارهای تحقق اهداف نظام آموزشی جهت می‌دهند (بهـالگردی، ۱۳۸۹: ۹) و برنامه درسی عرصه تقابل و رویارویی ایدئولوژی‌هاسـت. (کـارر[1] 2001، بـه نقـل از نیـک‌نشـان، لیاقتـدار،

1. Carr.

نصرآبادی و پاک‌سرشت، ۱۳۹۱: ۷) در میان این همه تقابل، کدام ایدئولوژی مناسب است؟ و یا به عبارتی، ایدئولوژی‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرند؟ دیدگاه‌های برنامه درسی از فرض‌های فلسفی، ارزشی ـ اعتقادی، فرهنگی ـ اجتماعی موجود در جامعه (سلسبیلی، ۱۳۸۲: ۲؛ بهالگردی، ۱۳۸۹: ۳ ـ ۲) سرچشمه دارند. هرچند دیدگاه‌های برنامه درسی مبنای مفهومی مورد نیاز برای تدوین و تولید برنامه‌ها را فراهم می‌کنند، (میلر، ۱۳۹۱: ۱۴) بی‌توجهی به عمق تأثیر این دیدگاه‌ها در برنامه درسی می‌تواند تعلیم و تربیت را دستخوش ناهماهنگی کند.

بررسی‌ها نشان داده است که زیربنای نظری و کاربرد رویکردهای مناسب در آموزش و پرورش ایران موضوعی مغفول است (سلسبیلی، ۱۳۸۲) و در زمینه ایدئولوژی‌های برنامه درسی در کشورمان با فقر منابع مواجه هستیم. امروزه در کشور ما تلاش برای دست‌یابی به ایدئولوژی برنامه درسی بومی و ملهم از آموزه‌های فلسفی ـ دینی، فرهنگی و تاریخی برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ضرورت بنیادین تلقی می‌شود. (مهرمحمدی و امین‌خندقی، ۱۳۸۸) بسط این نکته به اصول، مباحث و منویات انقلاب اسلامی ایران، از جمله زیربنا و شالوده‌اش، یعنی نظریه ولایت فقیه دوچندان است. پرسش اساسی این است که محتوا در انتقال چنین نظریه مهمی چه رویکردهایی می‌تواند اتخاذ کند و کدامین رویکرد است که توانایی انتقال این نظریه را به گونه‌ای که در شناخت، اعتقادات و حتی مهم‌تر از آنها، در عمل مخاطبان تأثیری عمیق داشته باشد به همراه دارد. مباحث بعدی به این پرسش مهم نظر دارند.

معرفی و تبیین رویکرد گفتمان‌سازانه

برای معرفی و تبیین این رویکرد لازم است ابتدا به ارائه توضیحی در باب رویکردهای رایج در نظام آموزشی پرداخته شود و سپس مشخصاً مفهوم‌شناسی رویکرد گفتمان‌سازانه طرح گردد.

رویکرد اخبارگونه و تاریخی (وضعیت موجود)

این رویکرد را غالباً می‌توان در دروسی که صبغه اعتقادی، اجتماعی، تاریخی و گاهی ادبی دارند، یافت. این نگاه که رویکرد حاکم در انتقال معارف انقلاب اسلامی و نظریه ولایت فقیه در کتب درسی می‌باشد، دارای ویژگی‌هایی است که در ادامه توضیح داده می‌شود. یکی از مشخصات این رویکرد بی‌توجهی به مخاطب می‌باشد. بی‌توجهی به نیازها و نیز استفهامات ذهنی فراگیران از ویژگی‌هایی است که باعث شده است تا محتوا پاسخگوی شبهات و نیازهای فراگیر نباشد و با نوعی دل‌زدگی و بی‌توجهی مخاطب همراه باشد. این رویکرد بر عرضه حجم زیادی از مطالب استوار است و لذا به بیان مسلسل‌وار اطلاعات مبادرت می‌نماید. حجم زیاد مطالب اغلب فدای پرداختن عمیق و تأمل‌گرا به مسائلی می‌شود که اهمیت بسیار دارند. دعوت به اندیشه‌ورزی به‌دلیل سعی در ارائه همه مطالب در متن، چندان به چشم نمی‌خورد؛ به این معنا که کتاب با سیری معین، مثلاً بر اساس رخداد زمانی به ارائه مطالب می‌پردازد و سهمی برای تعقل فراگیر قائل نیست و بیشترین

تأثیر را در حیطه به خاطرسپاری متن دارد و از تأثیرهای عمیق در حوزه‌های اعتقادی و معنوی غافل است.

این متون بین مسائل مرز می‌گذارند و آنها را از یکدیگر جدا می‌کنند و با این کار، ارتباط مسائل مرتبط و متداخل در ذهن فراگیر شکل نمی‌گیرد. به عنوان مثال، در چنین رویکردی، فلان درس در اتباط با موضوع ولایت فقیه، آن را توضیح می‌دهد و درس دیگر امامت را؛ در حالی که ارتباط پیوسته این دو، زمینه‌های شناخت بهتر و عمیق‌تر فراگیر را از ولایت فقیه فراهم می‌کند. زمینه‌سازی، برای ورود به مباحث (به ویژه در برخورد با مسائل اعتقادی که ضرورت ویژه‌ای دارند) در چنین رویکردی اهمیت چندانی ندارد. بیان مطالب بر حسب رخداد زمانی آنها، معمول‌ترین شیوه ارائه مطالب است. لذا این رویکرد کارایی لازم در انتقال نظریه ولایت فقیه را در مخاطبان ندارد.

رویکردگفتمان‌سازانه (وضعیت مطلوب)

در توضیح این رویکرد، ابتدا به توضیح اصطلاحاتی که زمینه‌ساز فهم آن را فراهم می‌کند، پرداخته می‌شود. یکی از این اصطلاحات، «گفتمان» است. گفتمان از پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین مفاهیم عصر ماست (کلانتری، ۱۳۹۱: ۷) که با کثرت معنایی مواجه است (روحانی، ۱۳۹۱: ۹) و در بسیاری از رشته‌ها و رهیافت‌ها از زبان‌شناسی گرفته تا ادبیات، فلسفه و علوم اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (داوودی، ۱۳۸۹: ۵۱)

تعاریف گفتمان را در نگاهی کلی به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

الف) تعاریف متن‌محور: تعاریفی که گفتمان را نوعی متن گفتاری یا نوشتاری می‌دانند. این تعاریف اگرچه دارای تقدم و سهم بیشتری در ادبیات نظری هستند، پا را چندان از قلمرو زبان‌شناسی فراتر نگذاشته‌اند؛

ب) تعاریف اندیشه‌محور: تعاریفی که با توسع مفهومی، گفتمان را نظام معنایی گسترده‌ای به شمار می‌آورند. بدیهی است گفتمان به مثابه جریانی فرهنگی ـ اندیشه‌ای فراگیر و نه یک متن ادبی صرف که مورد توجه جامعه‌شناسان متأخر قرار گرفته است، با گروه تعاریف اندیشه‌محور هم‌سویی بیشتری دارد؛ (شجاعی‌زند، ۱۳۷۸؛ لاریجانی، تاجیک و خرمشاد، ۱۳۸۰) لذا مفهومی که از گفتمان با اهداف این پژوهش همخوانی بیشتری دارد، تعاریف دسته دوم می‌باشد.

بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان داخلی و خارجی، گفتمان را به مثابه نظامی معنایی تلقی کرده‌اند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸؛ عیوضی، ۱۳۸۴؛ عضدانلو، ۱۳۸۰؛ خاتمی، ۱۳۹۱؛ مک دانل، ۱۳۸۰؛ لاریجانی، تاجیک و خرمشاد، ۱۳۸۰؛ میلز، ۱۳۸۲؛ لاکلا[1] و موفه[2] به نقل از کلانتری، ۱۳۹۱؛ روحانی، ۱۳۹۱؛ فوکو[3] به نقل از شجاعی‌زند، ۱۳۷۸) گفتمان، شاکله اندیشه‌ها، مفاهیم و باورهاست (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷) و به معنای مبنای فکری است که بر اساس آن ساختمان فکری بنا می‌شود (خاتمی، ۱۳۹۱؛ به نقل از خبرگزاری فارس)

1. Laclau.
2. Mouffe.
3. Foucault.

که دریچه انسان به سوی شناخت جهان است. (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۲) پس می‌توان مهم‌ترین عناصر تعریف مانع و جامع برای گفتمان را این‌گونه ترسیم کرد: ۱. هر گفتمان همراه با نظام معرفتی می‌باشد؛ ۲. این نظام معرفتی در بافتی اجتماعی شکل می‌گیرد؛ ۳. پس از شکل‌گیری این نظام معرفتی، محدودیتی در فراتر رفتن آن از بافت اجتماعی وجود ندارد؛ ۴. این نظام معرفتی، همه‌گیر است و عبارت «گفتمان غالب» را در بطن خود دارد. (به این معنا که گفتمان، آن نظام معرفتی است که غالب و همه‌گیر باشد)

از اصطلاحات نزدیک به گفتمان، واژه «ایدئولوژی» است. در تفاوت گفتمان با واژه ایدئولوژی، باید گفت هرچند ایدئولوژی، مقوِم و هسته مرکزی هر گفتمان است، اما گفتمان، مقوله، جریان یا پدیده‌ای اجتماعی است. به عبارتی، گفتمان جریان و بستری اجتماعی است (مک دانل، ۱۳۸۰) لذا امر گفتمانی با امر اجتماعی هم‌دامنه است (عیوضی، ۱۳۸۴: ۱۲۸) که البته چنین وجهه اجتماعی در ایدئولوژی وجود ندارد.

«گفتمان‌سازی» همان‌گونه که از ظاهر کلمه برمی‌آید، واژه‌ای فرع بر گفتمان می‌باشد و با آن سروکار دارد. این واژه را مقام معظم رهبری به کاربرده و به ادبیات این دوره وارد کرده‌اند. ترویج الگوی مورد نظر، زمینه‌سازی، جریان‌سازی، تصمیم‌سازی و شاخص‌سازی از جمله عباراتی است که ایشان معمولاً در کنار گفتمان‌سازی و یا در موقعیت‌های شبیه به آن به کار برده‌اند. هر چند گفتمان‌سازی به طور دقیق هیچ کدام از آنها نیست، می‌تواند به مجموعه آنها اطلاق شود. گفتمان‌سازی در این پژوهش با توجه به آنچه بیان شد، فرایند تبدیل ایدئولوژی به گفتمان تعریف می‌شود. فرآیندی که برای غالب‌سازی ایدئولوژی معینی باید صورت گیرد، گفتمان‌سازی نام می‌گیرد. آنچه در این بخش از اهمیت اساسی برخوردار است، این است که چگونه می‌توان در باب یک موضوع، گفتمان‌سازی کرد. در پاسخ به این سؤال بهتر است ابتدا بررسی شود که نگاه گفتمان‌سازانه دارای چه ویژگی‌هایی است:

رویکرد گفتمان‌سازانه در حاکمیت بر محتوا باید دارای دو ویژگی اساسی باشد. یکی تمرکز بر ایجاد شناخت و معرفتی عمیق و صحیح و دیگری توجه به رساندن این معرفت به دل و جان مخاطب. باید دانست که مجموعه این ویژگی‌ها در کنار یکدیگر منجر به تحقق رویکرد گفتمان‌سازانه می‌شود و چه بسا ایجاد معرفت صحیح، خود منجر به اثرگذاری در احساسات و عواطف افراد گردد.

در رویکرد اسلامی، هدف غایی از خلقت انسان، عبودیت است و آن عبارت است از اینکه انسان خود را در برابر رب خویش در مقام مملوکیت و مربوبیت قرار دهد. (باقری، ۱۳۸۷: ۸۲ ـ ۸۱) از سویی هیچ مبنای عقلانی و فلسفی و حِکمی بدون آبشخور عاطفه و ایمان قلبی، امکان رویش ندارد. «خیلی‌ها مبانی و مفاهیم اسلامی را هم بلدند، حقیقتی را هم می‌دانند، اما به آن حقیقت دل نسپرده‌اند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۴/۱۴) لذا در بعد معنوی، پرورش روحیه عبودیت به معنای بندگی مطلق خداوند، مهم است تا آنچه را که حقانیت آن ثابت گشته است، با جان و دل پذیرفته شود. پیوند این دو حوزه تأثیر در کنار یکدیگر، منجر به ظهور موضوع مورد نظر در رفتار فرد می‌گردد.

البته از دو محدودیت عمده در توضیح این ویژگی‌ها نباید غافل شد. یکی اینکه توضیح این حوزه‌های تأثیر با تکیه بر موضوع ولایت فقیه است؛ چراکه گفتمان‌سازی بستری کلی در انتقال معارف اسلامی و انقلاب اسلامی است که این پژوهش بر موضوع ولایت فقیه متمرکز شده است و دیگر اینکه ایجاد شناخت عمیق و پرورش روحیه عبودیت و دل‌سپردگی به قدر وسع محتواست. این خصوصیات با یکدیگر همپوشانی زیادی دارند و بیان آنها به صورت جدا از یکدیگر به دلیل اهمیتی است که هر یک ازآنها دارد.

قبل از ورود به مباحث بعدی باید خاطرنشان کرد که تبیین این ویژگی‌ها با عنایت به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری صورت گرفته است. این ویژگی‌ها، با نظر به مسئله ولایت فقیه، در صدد است تا نظریه ولایت فقیه را به گفتمان ولایت فقیه تبدیل نماید. چنین فرایندی که گفتمان‌سازی نظریه ولایت فقیه نام می‌گیرد، در نگارش محتوا حائز ویژگی‌هایی است که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد. «نگاه گفتمان‌سازانه دارای جریانی فعال و مستمر است؛ مانند دمیدن پیوسته در وسیله فشاری که می‌تواند آب یا هوا را به نقاط مورد نظر برساند و هیچ گاه نیز نباید متوقف شود». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲)

ویژگی‌های رویکرد گفتمان‌سازانه با نظر به موضوع ولایت فقیه

الف) پرهیز از سطحی نگری، ساده‌اندیشی و ظاهربینی در تبیین نظریه ولایت فقیه: این مسئله‌ای اساسی است که شاید در نگاه اول، فرضی مسلم به نظر آید؛ اما غفلت از آن، مانع اصلی سر راه نگرش عمیق و مشاهده باطن امور می‌باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۷/۷) و پرهیز از آن در انتقال مفاهیم، به اعطا و تشکیل بینش عمیق کمک شایانی کرده و توجه مخاطب را به بخش‌های پنهانی یک مسئله معطوف می‌نماید. این ویژگی در محتوای کتب درسی می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد. مثلاً نگاه ساده‌انگارانه در محتواهای درسی، مسئله ولایت فقیه را به نحوی بیان می‌کند که گویی این مسئله تنها سیاسی و یا شکلی از حکومت است. با چنین ظاهربینی، مخاطب احساس می‌کند ولایت فقیه و اعتقاد به آن سلیقه‌ای می‌باشد و وی با چنین برداشتی به راحتی می‌تواند از اعتقاد به آن سرباز زند. این در حالی است که محتوای عمیق، مسئله ولایت فقیه را دارای ریشه‌های اعتقادی و مباحث گسترده در علم کلام و فقه می‌داند و نه تنها شکلی از حکومت و یا مسئله‌ای سیاسی. حاکمیت چنین نگاه‌هایی بر محتوا مخاطب را به فهم عمیق‌تری از ولایت فقیه سوق می‌دهد.

ب) توجه به رابطه علت و معلولی در توضیح مسائل مربوط به ولایت فقیه: گاهی مسئله‌ای بدون توجه به علت‌های اصلی‌اش بیان می‌گردد و یا علت‌های ناروا به آن نسبت داده می‌شود. تلاش در بازشناسی علل حقیقی یک مسئله، عاملی است که می‌تواند به شکل‌گیری بینشی عمیق و خلل‌ناپذیر منجر شود. به عنوان نمونه، گاه برخی از مسائل و مشکلات اقتصادی جامعه به شیوه رهبری جامعه نسبت داده می‌شود و گفته می‌شود حکومت دینی و حاکمیت انقلاب اسلامی منجر به ایجاد چنین مشکلاتی شده است. اما بازشناسی علت‌های اصلی در تبیین این ناکارآمدی‌های اقتصادی، به مخاطب می‌فهماند که علت اصلی این است که چون

حکومت اسلامی و در رأس آن، ولایت فقیه قرار دارد، بخش عمده مخالفت‌ها معطوف به ولایت فقیه است.

ج) شناخت مخاطب و تمرکز بر پاسخ‌دهی به شبهات ذهنی او در باب ولایت: غفلت از شناخت مخاطب از نظر سن، جنسیت، محیط، اعتقادات و شبهات موجب آن می‌شود که متن هرچند دارای ویژگی‌های مثبت بسیاری باشد، در اقناع ذهنی و منطقی مخاطب توفیق چندانی به دست نیاورد. توجه به نکات زیر در این زمینه راهگشاست:

ـ محتواهای درسی باید با شناسایی شبهات موجود در اذهان فراگیران درصدد مقابله با آنان برآیند. افکار خدشه‌آمیز و تردیدافکن را می‌توان ذیل چند عنوان مورد شناسایی قرار داد: اثبات اصل ولایت فقیه، مباحث فقهی در باب ولایت فقیه، ضرورت‌های تشکیل حکومت اسلامی، پیشینه قرآنی و روایی محکم درباب ولایت فقیه، ارتباط ولایت فقیه و عصر غیبت، ویژگی‌های ولی فقیه مانند عدالت و علم او، ولایت مطلقه فقیه، مشروعیت ولایت فقیه، شیوه‌های جدید حکومت مانند رهبری شورایی، شیوه‌های نظارت بر رهبر، شیوه‌های انتقاد به رهبر و حدود آن، اختیارات ولی فقیه، مصداق ولایت فقیه، برخی از ناکارآمدی‌های دولتی و اداری و ارتباط آن با حکومت ولایی و بالاخره، جایگاه مردم در حکومت ولایی. اکثر شبهات مطرح شده را می‌توان ذیل یکی از این عناوین قرار داد.

ـ نوع شبهات نیز باید مورد توجه باشد. برخی از شبهات از قدیم موجود بوده؛ ولی برخی از شبهات در راستای زمان و به تازگی به وجود آمده‌اند. از جمله شبهاتی که از قدیم بوده است به این مسئله اشاره دارد که: «ولی فقیه که معصوم نیست؛ پس اشتباه است که ولایت معصومین به فقیه نسبت داده می‌شود». اما به عنوان نمونه، برخی شبهات جدیدی که در این رابطه بیان می‌شوند به چنین مسائلی اشاره دارند که: «اگر اعتبار مجلس خبرگان را رهبر تعیین می‌کند، چگونه آنان صلاحیت تعیین رهبر را دارند؟ این دُور و باطل است». محتوای درسی باید هم شبهات تکراری و قدیمی و هم شبهات جدید از این نوع را مورد توجه قرار دهد.

ـ با شبهات در دو سطح می‌توان برخورد کرد: سطح اول پیشگیری است. به این معنا که ایجاد شناختی صحیح، گام اول در برخورد شبهات است و از ایجاد شبهه جلوگیری می‌نماید. «با بارورکردن عقلانیت مخاطبان می‌شود از ورود یا جایگیر شدن شبهه‌ها درذهن پیشگیری کرد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۴/۱۵) اما سطح دوم، درمان است. این سطح که ناظر به پاسخگویی شبهات است، در حقیقت پس از ایجاد شبهه به کارگرفته می‌شود. بنابراین «کار دیگر هم این است که شبهه درمان شود». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۴/۱۵) لذا در این بخش به چگونگی و مکانیسم عملِ محتوا در پاسخ‌دهی به شبهات در باب ولایت فقیه اشاره می‌شود.

ـ محتوای درسی باید نسبت به دین، شبهه‌زدا باشد، نه شبهه‌زا: احادیث نامعتبر، صحبت‌های نامعقول، گفتن مطلبی ولو درست، اما فارغ از توجه به مخاطب از جمله امور شبهه‌زاست و باید از آنها دوری جست. «بیان دینی و تبیین دینی باید شبهه‌زدا، روشن، قوی، هنرمندانه ومتنوع باشد؛ شبهه‌زا و کلیشه‌ای نباشد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۹/۱۱)

ـ بیان دینی باید درهمه سطوح صحیح باشد: درست است که تبیین معارف دینی گاهی ممکن است برای جمعی از طلاب، دانشجویان، دانش‌آموزان، مخاطبانِ سنین پایین و حتی کودکان بیان شود، سن مخاطب یا میزان اطلاعات مذهبی و علایق دینی نباید در رفع شبهه منجر به بیان سخنی نادرست و ناروا شود؛ «بنابراین، حرف دینی در همه سطوح باید صحیح باشد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۹/۱۱)

ـ ممانعت از سرزنش مخاطب شبهه‌دار: یکی از مسائل اساسی در پاسخ‌دهی به شبهات این است که محتوا نباید مخاطب را به‌دلیل داشتن چنین شبهه‌ای در ذهن، سرزنش و ملامت کند؛ بلکه «باید با روی باز با سؤال و شبهه و ابهام روبه‌رو شد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۸/۳)

ـ استفاده از استدلال‌های متقن و علمی: برای پاسخ به شبهات باید از استدلالات محکم و علمی استفاده شود. ممکن است آنچه برای نویسنده کتاب یا حتی دانش‌آموز بدیهی باشد، برای مخاطبی دیگر محل ایجاد شبهه باشد. لذا در پاسخ به شبهات باید دقت کرد که پاسخی جامع و مانع و با تکیه بر استدلالات محکم داده شود. «برای رد نظر مخالف از روش‌های غیر علمی استفاده نشود؛ با استحکام، اما متکی بر استدلال برخورد کنید». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۸/۳) «وجود حجم عظیم تبلیغاتِ خصمانه و استکباری علیه جمهوری اسلامی ایران و ولایت فقیه، مستلزم پاسخ‌های مستدلانه و قانع کننده به شبهات می‌باشد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۲/۲۲)

ـ توجه به تناسب پاسخ با میزان فهم وتوانایی مخاطب: یکی از ویژگی‌های محتوای مطلوب توجه به تناسب محتوا با فهم مخاطب است. (ملکی، ۱۳۹۰؛ موسی‌پور، ۱۳۹۰) هرچند یک اصل اساسی در پاسخ‌دهی به شبهات، اقامه دلایل محکم و استدلالی است؛ این بدان معنا نیست که متن دارای پیچیدگی‌های بیانی باشد. «محتوا باید با توجه به سن مخاطب و فهم عموم فراگیران و فارغ از پیچیدگی‌های لغوی و فلسفی، و متناسب با توانمندی‌های مخاطب نگاشته شود. «باید درست گفت؛ منتها ساده». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۹/۱۱)

ـ توجه به تفاوت‌های فردی و شبهات خاص هر فراگیر: کتاب‌ها قادر به طرح تمامی شبهات نیستند؛ اما برخی از سازوکارها مانند قرار دادن جایی در محتوا برای رسیدگی به شبهات خاص فراگیران توسط مربی اهمیت زیادی دارد.

ـ آموزش شیوه‌های پاسخ‌گویی به شبهات: معرفی منابع و کتب معتبر گوناگون در باب ولایت فقیه و عرضه اصولی کلی مانند شناسایی منبع تولید شبهه، مدافعان و مروجان شبهه، دلایل استدلالی شبهه در دفاع از ادعای مطرح شده‌اش و ... از جمله مواردی است که می‌تواند قابلیت پاسخ‌گویی به شبهات را فراتر از کتاب درسی در فراگیر پرورش دهد.

د) پاسخ دادن به صورت غیرمستقیم: در برخی موارد بیان مطلب به صورت غیرمستقیم اثرات مثبت بیشتری از بیان مستقیم آن دارد. در بحث پاسخ‌دهی به شبهات ولایت فقیه، طرح مباحث در خلال متون، مسلماً از تأثیر بیشتر و بهتری برخوردار خواهد بود.

ه) همه‌جانبه‌نگری در بیان مسائل مرتبط با نظریه ولایت فقیه و پرهیز از یک‌سونگری: تمرکز بر ابعادی خاص در تبیین مسائل، منجر به کج‌فهمی می‌گردد. نگاه کلان و وسیع و پرهیز از یک‌جانبه‌نگری، لازمه تحلیل درست موضوعات مختلف می‌باشد. به عنوان نمونه، اگر محتوای درسی بخواهد به صورت همه‌جانبه‌نگرانه به توضیح بحث ولایت فقیه بپردازد، باید تمام جوانب و جنبه‌های ولایت فقیه را مدنظر قرار دهد. مثلاً، تأکید تنها بر آیات و روایاتی که ولایت فقیه را اثبات می‌کنند و یا تمرکز بر ویژگی‌های ولی فقیه در حالی که مثلاً از بحث مهمی مانند جایگاه مردم در حکومت اسلامی غفلت شود، به تشکیل نگره‌ای درست منجر نخواهد شد؛ بلکه باید به تمام جوانب ولایت‌فقیه توجه کرد. مثلاً محتوایی همه‌جانبه‌نگر درمورد ولایت‌فقیه، به این جوانب توجه می‌کند: اهداف و ضرورت‌های تشکیل حکومت اسلامی (در زمان حضور ائمه و در زمان غیبت امام عصر)، اثبات ولایت فقیه (به صورت عقلی و نقلی)، ویژگی‌های ولی فقیه (علم، عدالت و درایت)، جایگاه مردم در حکومت ولایی (مشروعیت و مقبولیت)، وظایف و اختیارات ولی فقیه و ولایت مطلقه فقیه، شبهات در باب ولایت فقیه، احکام تبعیت از ولی فقیه، نقش ولی فقیه در پیشرفت مادی و معنوی جامعه (مباحث عملی و تجربی در تجربه چندساله حکومت ولایی)، ولایت فقیه در نگاه جهانی و بین‌المللی و بیان برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌های امام خمینی‌ﷺ و امام خامنه‌ای.

و) توجه به پشتوانه‌های عملی و تجربی در بحث ولایت فقیه در کنار استدلالات محکم نظری: تأکید بر کارآمدی‌های حکومت ولایی در کنار استدلالات نقلی و عقلی، مسئله‌ای است که به اشتباه گاهی از آن غفلت می‌شود. محتوای درسی باید همزمان اهداف کلان نظام اسلامی، امکانات و محدودیت‌ها و موانع را مطمح نظر قرار دهد. با مقایسه وضعیت جامعه با وضعیت پیشین خود و نیز جوامع مشابه، کارآمدی این جامعه ولایی را می‌توان سنجید. (ذوالعلم، ۱۳۸۵: ۱۲۸ ـ ۱۲۷) البته تمایز میان ناکارآمدی و کم‌کاری نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. «در نظام کم‌کاری وجود دارد؛ اما ناکارآمدی وجود ندارد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۱۰) تأکید بر پیشرفت‌های روزافزون در زمینه‌های مختلف علمی پس از انقلاب اسلامی، خود می‌تواند در پذیرش و شناخت بهتر نظریه ولایت فقیه و نقش رهبر در این توسعه فراگیر نقش مهمی ایفا کند. به عنوان نمونه در پایگاه سایماگو[1] رتبه علمی ایران در سال ۲۰۱۳، در جایگاه هفدهم جهان قرار دارد این در حالی است که جایگاه علمی ایران در سال ۱۹۹۶ رتبه پنجاه و سوم جهان را نشان می‌دهد (سایماگو رتبه‌بندی نشریات و کشورها، (SCImagoJournal & country rank, 2013)

ز) در نظرگرفتن نظریه ولایت فقیه براساس ارتباط ذاتی آن با سایر معارف: بسیاری اوقات تبیین نظریه ولایت فقیه بر اساس ارتباط منطقی آن با سایر معارف بیان می‌شود و از ارتباط ذاتی آنها غفلت می‌شود. این ارتباط منطقی در کتاب‌های درسی در تبیین نظریه ولایت فقیه گاهی بر اساس رویدادهای زمانی صورت می‌پذیرد.

1. SCImago.

به این معنا که سیری تاریخی می‌گذرد تا به ولایت فقیه و زمان تحقق آن در عمل می‌رسد. مثلاً از نبوت پیامبر اکرمﷺ شروع شده سپس به مبحث امامت می‌رسد و بعد از مروری بر دوران غیبت صغری و کبری به وقوع انقلاب اسلامی و ولایت فقیه اشاره می‌شود و بحث ولایت فقیه جدا از مباحثی مانند امامت و نبوت بیان می‌شود و نوعی فاصله بین این مباحث می‌افتد. نوع دیگری از روابط منطقی، تقسیم‌بندی مباحث به صورت موضوعی است. مثلاً، موضوع توحید، موضوع معاد، موضوع ولایت فقیه و مانند آن.

چنین ارتباطاتی باعث می‌شود مخاطب جایگاه اصلی بحث ولایت فقیه را که از همان زمان حیات ائمهؑ نیز بوده است، به خوبی درک نکند. اما بسیاری از مسائل با یکدیگر ارتباط ذاتی دارند و می‌توان گفت تمامی مسائل اسلامی حائز چنین ویژگی مهمی هستند. به عنوان مثال، ولایت فقیه دارای ارتباطی ذاتی با مسئله امامت، نبوت، توحید و معاد می‌باشد. در این معنا باید اشاره کرد ولایت فقیه ریشه در مسئله امامت دارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲: ۱۲) و امامت دنباله نبوت است. از حیث دیگر نیز «اعتقاد به توحید، سازنده این عالم و سازنده زندگی است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۴/۲۱) با این تعریف، معلوم است که ولایت فقیه چه ارتباط نزدیکی با توحید پیدا می‌کند. حتی تعریف اسلام از انسان، اجتماع، اقتصاد و حکومت، همگی مانند حلقه‌های زنجیری هستند که نمی‌توان یکی را جدا از دیگری بررسی کرد؛ چرا که طبق آنچه بیان شد، اینها دارای ارتباط ذاتی هستند. از دیگرسو، توجه به چنین رابطه‌هایی عاملی برای ورود بحث ولایت فقیه به محتواهایی است که در ظاهر بین آنها ارتباطی نیست؛ مانند قانون رعایت حجاب که به شخص ولی فقیه برنمی‌گردد؛ بلکه به ارتباط ذاتی اشاره دارد که بین ضرورت‌های تشکیل حکومت اسلامی و احکام دینی وجود دارد.

ح) روزآمدسازی و ملموس کردن نظریه ولایت فقیه برای مخاطبان: بسیاری از مخاطبانِ محتوای درسی ممکن است قبل از مطالعه محتوا در باب نظریه ولایت فقیه، آن را صرفاً بر اساس آنچه از رسانه‌ها دیده و شنیده‌اند، ارزیابی کنند. لذا محتوا می‌تواند تبیین نظریه ولایت فقیه را موکول به دانسته‌های به‌روز و ملموس فراگیران نماید. به عنوان نمونه اشاره به موضوع «بیداری اسلامی» که غالب فراگیران، از گوشه و کنار شنیده‌اند؛ اما بسیاری از آنان از چیستی آن بی‌اطلاع هستند. در این بخش می‌توان به سرنوشت دولتی مانند مصر و یا قیام‌های سایر کشورهای عربی ـ اسلامی اشاره کرد و علت اصلی به ثمر ننشستن آنها را ناشی از نبود رهبری مقتدر، عادل و عالم، تبیین کرد. همچنین اشاره به جملاتی مانند جمله تکان دهنده کاندولیزا رایس، وزیر سابق امور خارجه آمریکا که «رهبر ایران می‌تواند نقشه‌هایی را که بهترین ذهن‌ها با صرف بیشترین بودجه‌ها در زمانی بسیار طولانی کشیده و مجریانی ماهر اجرای آن را به عهده گرفته‌اند، با سخنرانی یک ساعته‌ای خنثی کند». (رضائیان، ۱۳۹۰) بدون شک چنین تبیینی به خوبی مخاطب را با خود همراه می‌کند. این روش با برقراری ارتباط با دانسته‌ها و دیده‌های مخاطب، فهم و پذیرش موضوع را برایش راحت‌ترمی‌کند.

ط) برانگیختن عواطف در باب ولایت فقیه: «عاطفه به جای خود و منطق و استدلال هم به جای خود،

هریک سهمی در بنای شخصیت انسان دارد. خیلی از مسائل است که باید آنها را با عاطفه و محبت حل کرد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۳/۱۷) در این میان، «نقش هنر، نقش شعر، نقش ادبیات، نقش حضور در میدان‌های عملی در پرورش روح ایمانی، نقشی است که بسیار کارساز و مؤثر است» (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۶/۴/۱۴) در این زمینه می‌توان به ابعاد هنری و زیبایی شناختی، بعد ادبی و به خدمت گرفتن آن، استفاده از ادارک بصری در تحریک عواطف و مانند آن اشاره نمود. هنر می‌تواند ابزاری باشند که به خردورزی در مورد عقاید دینی کمک نمایند و در واقع محملی برای تفکر باشند. (صابری، ۱۳۹۱: ۱۲۵) مثلاً برخی از اشعاری که ولایت فقیه را در عین دارا بودن مضامین عقلی، با شیوه‌ای که عواطف افراد را درگیر کند، بیان می‌نماید، عواطف افراد را تحریک کرده و راه را برای تقویت روح باورپذیری افراد باز می‌نماید و روحیه عبودت را در فراگیران تشویق می‌نماید.

ک) توجه به رابطه مودت‌آمیز بین ولی فقیه و امت: این رابطه، رابطه‌ای بی‌نظیر در میان ملل و جوامع دنیا است. امروزه، وجود رابطه سرشار از محبت، مودت و دوستی در کنار ولایت‌پذیری میان ولی فقیه و امت در جمهوری اسلامی ایران بی‌نظیر است. این رابطه که افراد را فارغ از سن و جنسیت خویش مجذوب ولی فقیه ساخته است و افراد جامعه گوش به فرمان رهبر خود داده‌اند، مسئله‌ای برخاسته از ماهیت رهبری و ویژگی‌های ولی‌فقیه است.

> در قرآن نسبت به اولیای الهی سه تعبیر وجود دارد: یکی تعبیر ولایت است، دیگری اطاعت است، اما بحث مودت بسیار مهم است. «**قل لا اسئلکم علیه اجرا الّا المودّة في القربي**» (شوری / ۲۳) این مودت چیست دیگر؟ این مودت، پشتوانه است. اگر این مودت نباشد، همان بلائی بر سر امت اسلامی خواهد آمد که در دوران‌های اول بر سر یک عده‌ای آمد که همین مودت را کنار گذاشتند، به تدریج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشته شد. بحث مودت خیلی مهم است. این مودت، با این ارتباطات عاطفی حاصل می‌شود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲)

برای روشن‌تر شدن معنا و مفهوم مودت به توضیحی که علامه طباطبایی در *تفسیر المیزان* ذیل آیه ۲۳ سوره شوری آورده‌اند می‌توان اشاره کرد:

> این مودت امری است که به استجابت دعوت، برگشت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۶۰)
> اسلام هرگز مردم را دعوت نمی‌کند به اینکه خویشاوند خود را به خاطر اینکه خویشاوند است دوست بدارند، بلکه آن محبت، محبت فی الله است. (همان: ۶۴)
> در حقیقت اجری که در این آیه درخواست شده، نفعی است که عاید خود بشر می‌گردد نه عاید عترت. (همان: ۶۷)
> منظور از واجب کردن مودت اهل بیت، برای این است که مردم را به ایشان ارجاع دهد و اهل بیت مرجع علمی مردم قرارگیرند. پس مودتی که اجر رسالت فرض شده چیزی ماورای خود رسالت و دعوت دینی و بقاء و دوام آن نیست. (همان: ۶۶)

از آنجایی که مسئله ولایت فقیه در دل بحث امامت و نبوت قرار دارد، می‌توان چنین معنایی را در رابطه امت و ولی فقیه نیز درست و با اهمیت تلقی نمود.

ل) تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد همه‌جانبه شخصیت امام خمینی‌ﷺ وامام خامنه‌ای: بیان این خصایص در قالب داستان‌ها و روایات کوتاه، افراد را با لحنی فارغ از استدلال و در عین حال، سرشار از معارف حقیقی روبه‌رو می‌سازد. شوخ‌طبعی، طبع شاعرانه، خانواده‌دوستی، ساده‌زیستی، فهم و درایت، وسعت دید و آینده‌نگری از جمله ویژگی‌هایی است که در قالب داستان می‌تواند بیان شود و حتی گاهی برقراری رابطه‌ای عکس، یعنی رسیدن از مصداق به موضوع (به جای رسیدن از موضوع به مصداق) بسیار مؤثر می‌باشد. اساساً یکی از روش‌های تبلیغی که از نظر روانی می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد، روش اسوه‌سازی و معرفی الگوی خوب و بد است که در این روش مبلغ می‌تواند واقعیت را عینیت بخشد. داستان‌ها و روایات از زندگی این بزرگواران نیز با نوعی اسوه‌سازی از شخصیت این دو رهبر بزرگ، مخاطب را به کرنش در برابر اخلاق و شخصیت بزرگ آنان وامی‌دارد و پذیرش عقلی و قلبی نظریه ولایت فقیه را به شکل مطلوب‌تری میسر می‌سازد. (صادقی نیری و حاجی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۲) به عنوان نمونه اشاره به جملات تأمل‌برانگیز در مورد شخصیت این رهبران می‌تواند بسیار مثمر ثمر باشد. مثلاً حجت الاسلام و مسلمین قرائتی بیان کردند که:

> در زمان طاغوت مقام معظم رهبری سفری با قطار داشتند و به من فرمودند چون توقف کامل قطار سبب قضا شدن نماز می‌شد، من از پنجره قطار بیرون پریدم تا نمازم قضا نشود. (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲: ۲۸۶)

نتیجه

این پژوهش با هدف تبیین گفتمان‌سازی نظریه ولایت فقیه در محتوای برنامه درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و بر اساس دو پیش فرض اساسی، بنیان نهاده شده است. پیش‌فرض اول ناظر به وضع موجود و پیش‌فرض دوم در ارتباط با وضع مطلوب و تبیین آن در محتوای نظام آموزش و پرورش به طور عام و نظام برنامه درسی به طور خاص می‌باشد.

فرض اول که بر حافظه‌محوری و اخبارگونگی در بیان محتوا و انفصال از ارتباط ذاتی مباحث با هم و بی‌توجهی به منویات مخاطبان استوار است، ناظر بر نارسایی‌های عمیق در وضعیت فعلی نظام آموزش و پرورش کشورمان از این منظر است. به فرموده مقام معظم رهبری:

> در حقیقت، آموزش و پرورش کنونی کشور ما ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه‌های ما و فلسفه ما نیست... آموزش و پرورش جدیدی که وارد کشور ما شد اساسش... ضدیت با دین بود و هم به شدت ترجمه‌ای بودن، وابسته بودن، تقلیدی بودن، از نیازهای حقیقی کشور و ملت ایران نجوشیده بودن است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۵/۳)

در باب پیش‌فرض دوم که اساسش تسخیر روح و جان فراگیر و تدریس عینی اوست، باید به وجود توانایی بالقوه در نظام آموزش و پرورش کشور برای تربیت انسان‌های مطلوب اسلام اشاره نمود. «این توانایی در آموزش و پرورش هست که انسان مطلوب اسلام را تربیت کند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۵/۳)

آشنایی عمیق مخاطبان آموزش و پرورش با انقلاب اسلامی و مبانی آن در صدر وظایف آموزش و پرورش ایران قرار دارد. «نسل جوان و نوخاسته را باید به گونه‌ای تربیت کرد که قدرشناس خدمات انجام گرفته و پیشرفت‌های کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی باشد؛ چراکه نقش استقلال سیاسی در استقلال علمی، اقتصادی و فرهنگی موجب می‌شود تا نسل جوان هویت خود را به خوبی بشناسد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۴/۳۰) لذا ایده کلی این پژوهش مبتنی بر معرفی و شناسایی رویکرد گفتمان‌سازانه در تبیین معارف اسلامی و به طور خاص در تبیین نظریه ولایت فقیه در محتوای کتب درسی، به مثابه زمینه تحقق پیش‌فرض دوم (وضعیت مطلوب) می‌باشد. «گفتمان به یک مفهوم و یک معرفت همه‌گیر در برهه‌ای از زمان در یک جامعه اطلاق می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲) و گفتمان‌سازی بر اساس تعریف گفتمان به فرایند همه‌گیرسازی این معرفت اشاره دارد. «ایجاد یک گفتمان، با کارهای جدا جدای برنامه‌ریزی نشده حاصل نخواهد شد؛ این کار احتیاج به برنامه‌ریزی و کارِ فعال دارد و هیچ گاه نباید متوقف شود». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲)

لذا گفتمان‌سازی با داشتن چهار شاخصه اساسی، یعنی ایدئولوژی یا معرفت، هدف، فرایند و نتیجه، چنین برنامه‌ریزی را محقق می‌کند. ایدئولوژی اصلی همان معارف اسلامی و در اینجا، ولایت فقیه است. هدف گفتمان‌سازی «برای این است که اندیشه دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲) فرایند، به برنامه‌ریزی‌هایی اشاره دارد که در این مسیر صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی‌ها با تأکید بر دو حوزه شناختی و معنوی در مخاطب صورت می‌پذیرد. نتیجه هم این است که «اندیشه دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان چیزی می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲) رویکرد گفتمان سازانه با نفی دیدگاه‌های کنونی حاکم بر نظام برنامه درسی در انتقال نظریه ولایت فقیه در صدد عرضه دیدگاهی جدید در این زمینه است.

در مواجهه با نظریه ولایت فقیه، از دو دیدگاه می‌توان سخن گفت. دیدگاه اول یا موجود، ولایت فقیه را به عنوان پدیده‌ای ایستا قلمداد می‌کند و لذا با سبکی اخبارگونه به توصیف این پدیده بر اساس رخدادهای زمانی و یا موضوعی بسنده می‌کند؛ اما رویکرد گفتمان‌سازانه یا مطلوب، ولایت فقیه را مسئله‌ای اساسی که دارای ارتباط ذاتی با اصیل‌ترین معارف اسلامی است، می‌داند. رویکرد گفتمان سازانه موقعیت فعلی مخاطبان را درون حکومت ولایی و نه خارج از آن ترسیم می‌کند و پیروزی و تشکیل انقلاب و تحقق عملی ولایت فقیه

را تنها به مثابه نقطه شروع فرض نموده و بر این مسئله که ولایت فقیه مقدمه‌ساز و زمینه‌ساز تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است، تأکید می‌ورزد. لذا ولایت فقیه باید نه به صورت مسئله‌ای که صرفاً در درس دینی مورد بحث باشد و فراگیران صرفاً باید از آن آگاه شوند، بلکه چنان تبیین شود که گویی تمامی مخاطبان کتب درسی، هم اکنون در فضای آن هستند و در آن تنفس می‌کنند؛ چراکه ولایت فقیه سویه‌های عمیق اجتماعی دارد و در ابعاد مختلف زندگی دنیوی و اخروی، شدیداً اثرگذار است.

پیشنهادات این پژوهش را می‌توان با عنایت به دو بعد اصلی گفتمان‌سازی، یعنی بعد شناختی و بعد معنوی مطرح نمود. در بعد شناختی و به منظور ایجاد معرفتی صحیح در فراگیران، پیشنهاد می‌شود ضمن استفاده از استدلالات محکم و قوی، موضوع ولایت فقیه از طریق مسائلی توضیح داده شود که برای فراگیران قابل درک بوده و ملموس و عینی باشد. علاوه بر این از سبک نوشته‌های تاریخی که مسائل را صرفاً بر اساس ترتیب رخداد زمانی مطرح می‌کنند پرهیز نموده و حقیقت ولایت فقیه و زنجیر اتصال آن با معارف دیگر به مخاطب شناسانده شود. افزون بر این، به دلیل فضای جامعه و طرح نظریات تردیدافکن، از پرداخت و طرح و مقابله با آنها نباید غفلت ورزید. در بعد معنوی هم مواردی مانند تکیه بر داستان‌ها، اشعار، تصاویر، آیات و احادیث که مرتبط با مبحث ولایت فقیه هستند را می‌توان به خدمت گرفت. همچنین تأکید بر رابطه خاص بین ولی فقیه و مردم و طرح آن به صور گوناگون می‌تواند منجر به تقویت بنیادهای معنوی در رابطه با موضوع ولایت فقیه شود.

به کارگیری چنین رویکردی می‌تواند بر تمامی اضلاع نظام برنامه درسی تأثیرگذار باشد و از کوچک‌ترین جزء در نظام آموزش و پرورش تا بزرگ‌ترین مسائل را تحت تأثیر قرار دهد. سیاست‌های تربیتی، با تمرکز بر معارف انقلاب اسلامی و سعی بر همه‌گیرسازی آنها، در ابعاد معرفتی و تکنیکی از تفاوت‌های جدی برخوردار می‌شود. جهت‌گیری‌های برنامه درسی از آنچه به دنبال انتقال موضوعات است، به سمت جهت‌گیری‌هایی می‌رود که در صدد است محوریت را به ابلاغ دین الهی واگذار نماید و آن را در میان همه، عمیقاً فراگیر سازد.

مسلماً با اتخاذ چنین جهت‌گیری، مبانی دینی به مثابه یک درس از جایگاهی برابر با سایر مباحث درسی برخوردار نخواهد بود؛ بلکه روح حاکم بر تمام موضوعات را به خود اختصاص خواهد داد که چنین رویکردی با آنچه در وضعیت فعلی نظام برنامه درسی وجود دارد، همخوان نیست.

همچنین تأثیرات این رویکرد در تربیت معلم نیز مشهود است. تمرکز بر جلب افراد دانا و معتقد و عامِل به معارف دینی و نیز تربیت آنان بر همین سبیل می‌باشد. تربیت معلم با چنین نگاهی به تربیت اسوه‌هایی باورمند تبدیل می‌شود؛ معلمانی که در سه حوزه شناخت، باور و عمل موفق بوده‌اند و از طرفی توانایی ایجاد همین عناصر را نیز در مخاطب خود داشته باشند. در باب مخاطبان یا فراگیران، وجهه همت ازتربیت افرادی‌که مجموعه‌ای از علوم را می‌دانند که معارف دینی نیز در آن جایگاهی برابر با سایر علوم دارد، به تربیت افرادی که قلباً نسبت به معرفت اسلامی راغب گشته و آن را پذیرفته و به آن عمل می‌کنند، تغییر می‌کند.

نگاه گفتمان‌سازانه در اعتراضی به رویکردهای ایستا و راکد، با اعطای پویایی و جریان‌بخشی، به ایجاد انقلابی درونی در مخاطبان تأکید می‌ورزد. لذا رویکرد گفتمان‌سازانه در صدد است تا انقلاب موفق و معجزه‌آسای اسلامی و معارف ناب آن، از جمله نظریه ولایت فقیه را به عمق جان مخاطبان خود برساند. در نهایت باید افزود چون این رویکرد در مراحل اولیه تکوین و شکل‌گیری خود می‌باشد، نیازمند پژوهش و واکاوی‌های بیشتری است. می‌توان تک‌تک مباحث مربوط به ولایت فقیه را به صورتی مبسوط از نظر طرح شدن در محتوای برنامه درسی با نگاهی گفتمان‌سازانه، در قالب پژوهش‌های دیگر انجام داده و این مبحث اساسی را به سرانجامی شایسته رساند.

منابع و مآخذ

۱. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۶۰، ***ولایت فقیه***، بی‌جا، چاپخانه بهمن.

۲. ایوبی، حجت‌الله، ۱۳۸۱، «مؤلفه‌های گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی»، ***اندیشه انقلاب اسلامی***، پیش شماره ۱.

۳. باقری، خسرو، ۱۳۸۷، ***نگاهی دوباره به تربیت اسلامی***، ج ۱، تهران، مدرسه.

٤. بهالگردی، بهاره، ۱۳۸۹، ***تبیین جهت‌گیری‌های برنامه درسی بر اساس باورهای معرفت شناختی معلمان و دست ـ اندرکاران نظام برنامه درسی ایران***، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

۵. بینقی، تقی، ۱۳۷۹، «نیازسنجی آموزشی در برنامه‌ریزی برای تربیت دینی و اخلاقی»، ***تربیت اسلامی***، شماره ۳.

٦. تصدیقی، محمدعلی و فروغ تصدیقی، ۱۳۸۸، «آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی ایران»، ***مجموعه مقالات همایش تربیت دینی***، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، ***ولایت فقیه: ولایت، فقاهت و عدالت***، قم، اسراء.

۸. جوادی، محمدجعفر، ۱۳۷۷، «بررسی نظرات اولیای دانش‌آموزان، دانش‌آموزان و معلمان دوره ابتدایی درباره کتاب‌های درسی این دوره»، ***تعلیم و تربیت***، شماره ۵۳ و ۵۴.

۹. خاتمی، سید احمد، ۱۳۹۱، گفتگوی تفصیلی با فارس، به نقل از سایت خبری فارس: www.farsnews.ir.

۱۰. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸٤، ***رساله اجوبه الاستفتائات***، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

۱۱. خطیب زنجانی، نازیلا و مهران فرج اللهی، ۱۳۹۱، «عوامل مؤثر در اشاعه مفاهیم و باورهای دینی بین دانش‌آموزان (دوره راهنمایی و متوسطه منطقه ۲ تهران)»، ***روان‌شناسی تربیتی***، شماره ۲۵.

۱۲. داوودی، علی‌اصغر، ۱۳۸۹، «نظریه گفتمان و علوم سیاسی»، ***مطالعات سیاسی***، سال دوم، شماره ۸.

۱۳. دایک، تون آدریانوس فان، ۱۳۸۲، ***مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی***، ترجمه پیروز ایزدی، شعبان علی بهرام‌پور، محمد جواد غلامرضا کاشی، علیرضا خرمایی و تژا میر فخرایی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱٤. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و رضا ذبیحی، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی ایران و عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی موجود»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، شماره ۳۱.

۱۵. ذوعلم، علی، ۱۳۸۵، ***تجربه کارآمدی حکومت ولایی***، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱٦. رضاپور، حسین، ۱۳۹۱، «تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، شماره ۳۱.

۱۷. رضائیان، مرتضی، ۱۳۹۰، «اعتراف بی‌سابقه دشمن به توانمندی رهبری در خنثی‌سازی پیچیده‌ترین توطئه‌ها»، ***هفته نامه پرتو سخن***، شماره ٦۱۵، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹: www.partosokhan.ir

۱۸. روحانی، حسن، ۱۳۹۱، «گفتمان امام خمینی پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی»، ***راهبرد***، شماره ٦۵.

۱۹. سعیدی رضوانی، محمود و حسین باغگلی، ۱۳۸۹، ***نقدی بر روش‌های تربیت دینی با تأکید بر برنامه درسی پنهان***، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.

۲۰. سلسبیلی، نادر، ۱۳۸۲، ***دیدگاه‌های برنامه درسی: برداشت‌ها، تلفیق‌ها و الگوها***، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

۲۱. شجاعی‌زند، علیرضا و حسینعلی قجری، ۱۳۸۷، «قابلیت‌های تحلیل گفتمان در پدیده‌های فرهنگی ـ اندیشه‌ای (با تأکید بر گفتمان هژمونیک شده در انقلاب اسلامی)»، ***پژوهشنامه متین***، شماره ٤۰.

۲۲. صابری، رضا و محمود سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱، «کاربرد زیباگرایی و هنر در تربیت دینی»، ***تربیت اسلامی***، شماره ۱۵.

۲۳. صادقی نیری، رقیه و مهین حاجی زاده، ۱۳۹۰، «روش‌های دعوت و تبلیغ قرآنی از دیدگاه علامه طباطبایی»، ***پژوهش دینی***، شماره ۲۲.

۲٤. صدیقی، بهرنگ و حسن نظری، ۱۳۹۰، «عاملیت انسان و گفتمان انقلاب اسلامی ایران (تبیین جامعه‌شناختی عاملیت انسانی و تحولات معنایی آن از خرداد ۷٦ تا خرداد ۸۹)»، ***پژوهش اجتماعی***، شماره ۱۲.

۲۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷٤، ***تفسیر المیزان***، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲٦. عضدانلو، حمید، ۱۳۸۰، ***گفتمان و جامعه***، تهران، نشر نی.

۲۷. علم‌الهدی، جمیله، ۱۳۸۱، ***فلسفه تربیتی نهضت امام خمینی*** (نقد دوالیسم و سوبژکتیویسم)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

۲۸. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸٤، «گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی»، ***راهبرد یاس***، سال اول، شماره سوم.

۲۹. فتحی واجارگاه، کوروش، ۱۳۸۷، ***اصول برنامه‌ریزی درسی***، تهران، ایران زمین.

۳۰. فرهمند، زینب، ۱۳۸۸، «آسیب‌شناسی تربیت دینی»، ***مجموعه مقالات همایش تربیت دینی***، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳۱. کسرایی، محمدسالار و علی پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، ***فصلنامه سیاست***، شماره ۳.

۳۲. کلانتری، عبدالحسین، ۱۳۹۱، ***گفتمان از سه منظر زبان شناختی، فلسفی و جامعه شناختی***، تهران، جامعه‌شناسان.

۳۳. کوشکی، محمدصادق، ۱۳۸۷، «بازشناسی هویت انقلاب اسلامی»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، شماره ۱٤.

۳٤. لاریجانی، اردشیر و محمدرضا تاجیک و محمدباقر خرم شاد، ۱۳۸۰، «میزگرد گفتمان انقلاب اسلامی»، ***انقلاب اسلامی***، پیش شماره ۱.

۳۵. مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، ***بحار الانوار***، جلد ٦۵، مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام کتاب الکترونیکی.

۳٦. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، ***نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳۷. معروفی، یحیی و محمدرضا یوسف‌زاده، ۱۳۸۸، ***تحلیل محتوا در علوم انسانی(راهنمای عملی تحلیل کتاب‌های درسی)***، همدان، سپهر دانش.

۳۸. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۱۰، بیانات در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان.

۳۹. ـــــــــــ، ۱۳۸۳/۹/۱۱، بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما.

٤۰. ـــــــــــ، ۱۳۸٦/٤/۱٤، بیانات در دیدار مداحان و ذاکران اهل بیت به مناسبت میلاد حضرت زهرا علیهاالسلام.

٤۱. ـــــــــــ، ۱۳۷۳/۳/۱۷، بیانات در جمع روحانیون استان کهکیلویه و بویراحمد در آستانه ماه محرم.

٤۲. ـــــــــــ، ۱۳۷۷/٤/۲۱، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت میلاد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام جعفر علیه‌السلام.

٤۳. ـــــــــــ، ۱۳۷۱/۲/۲۲، بیانات در دیدار ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام.

٤٤. ـــــــــــ، ۱۳۸۸/۹/۲۲، بیانات در دیدار جمعی از طلاب و روحانیون.

٤۵. ـــــــــــ، ۱۳۸٦/۵/۳، بیانات در دیدار وزیر، معاونان و مدیران آموزش و پرورش.

٤٦. ـــــــــــ، ۱۳۸۹/۸/۳، بیانات در دیدار طلاب غیرایرانی حوزه علمیه قم. (تمامی سخنرانی‌ها از«پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری» به آدرس www.leader.ir در تاریخ مهر ماه ۱۳۹۲ ستخراج شده است.)

٤۷. ـــــــــــ، ۱۳۸۲/٤/۳۰، بیانات در دیدار وزیر و مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور.

٤۸. ـــــــــــ، ۱۳۸٦/٦/٤، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت.

٤۹. ـــــــــــ، ۱۳۷۲/۷/۷، بیانات در صبحگاه مشترک نیروهای سپاه در پادگان انصارالحسین.

۵۰. مک دانل، دایان، ۱۳۸۰، ***مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان***، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان.

۵۱. ملکی، حسن، ۱۳۹۰، ***مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه***، تهران، سمت.

۵۲. مهرمحمدی، محمود و مقصود امین‌خندقی، ۱۳۸۸، «مقایسه ایدئولوژی‌های برنامه درسی آیزنر با میلر: نگاهی دیگر»، ***مطالعات تربیتی و روان‌شناسی***، شماره ۱.

۵۳. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲، ***جرعه نوش کوثر: زندگی نامه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)***، گردآوری و تنظیم، تهران، موسسه فرهنگی قدر ولایت.

۵٤. موسی پور، نعمت‌الله، ۱۳۹۰، ***مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه***، مشهد، به نشر.

۵۵. میلر، جان، ۱۳۹۱، ***نظریه‌های برنامه درسی***، ترجمه دکتر محمود مهرمحمدی، تهران، سمت.

۵٦. میلز، سارا، ۱۳۸۲، ***گفتمان***، ترجمه فتاح محمدی، زنجان، هزاره سوم.

۵۷. نساجی زواره، اسماعیل، ۱۳۸۸، «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش آموزان»، ***مجموعه مقالات همایش تربیت دینی***، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵۸. نیک نشان، شقایق و محمدجواد لیاقت دار و حسن علی بختیار نصرآبادی و محمد جعفر پاک سرشت، ۱۳۹۱، «ایدئولوژی مبنایی برای عملکرد آموزش و پرورش: مقایسه پیامدهای ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم بر تعلیم و تربیت در کشورهای غربی»، ***پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت***، ۲ (۱).